

تجار در عصر صفوی^۱

(شرکا و دیدگاه‌ها)

(قسمت اول)

* نویسنده: رودی متی

** مترجم: حسن زندیه

چکیده

محققان جدید، هنگام بحث درباره تجار بومی ایران عصر صفوی عمدتاً حوزه بحث را به ارامنه منحصر و محدود می‌کنند، حال آن که آن‌ها به هیچ وجه تنها تاجران بومی نبودند که به معاملات مالی و تجاری اشتغال داشتند. این مقاله، ارامنه را همراه با سایر گروه‌های تجارت پیشه، همانند یهودیان، بانیان [تجار هندی] و مسلمانان که در تجارت بومی ایران فعال بودند، از سه منظر متفاوت بررسی می‌کند. بخش اول، مروری است بر انواع فعالیت‌های این گروه‌ها، شناخت آن‌ها و این که یهودیان علاوه بر بانک داری در تجارت کالا به نقاط دوردست نیز فعال بودند. مسلمانان در کار حمل و نقل، نقشی اساسی ایفا کرده و همچنین برای تجار خارجی که در ایران مشغول فعالیت بودند، اعتبار فراهم می‌کردند. بخش دوم، به موضوعی می‌پردازد که توجه زیادی را در مطالعات مغول‌شناسی [تیموریان یا گورکانیان هند] به خود معطوف داشته، اما در متون دوره صفوی از آن غفلت شده است و آن عبارت است از موقعیت تجار در جامعه، به ویژه رابطه آن‌ها با حکومت. آیا تجار جزء لاینفک حکومت بودند یا اینکه طبقه‌ای مستقل به حساب می‌آمدند که علایق و منافع متفاوتی از نخبگان سیاسی داشتند؟ بخش سوم با بررسی طرز تلقی حکومت از تجار و خودآگاهی گروهی خود آنان، این موضوع را بیشتر موشکافی می‌کند. دولت صفوی مراقب تجارت و فواید حاصله از آن بود، اما بین سیاست و تجارت هیچ‌گونه منافع اساسی مشترکی وجود نداشت. بازرگانان به نوبه خود به عالی‌ترین سطح ثروت و موقعیت دست می‌یافتند، اما هنوز قدرت را در دست نداشتند. گرچه آن‌ها از سوی مقامات محلی اذیت و آزار می‌شدند، ولی اغلب ترجیح می‌دادند در مقابل کسانی که آن‌ها را تخطئه می‌کردند سرسختانه مقاومت کنند.

کلید واژه: صفویان، تجار، ارامنه، مسلمانان و بانیان.

* پژوهشگر تاریخ صفویه و قاجاریه در دانشگاه دلیوار امریکا.
** دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۱- مقدمه

تجارت با فواصل دوردست از دوران‌های کهن جزء لاینفک زندگی مردم فلات ایران بوده است. ایران با قرار گرفتن در میانه راه سواحل دریای مدیترانه و امپراطوری‌های شبه قاره هند و آسیای مرکزی، همواره به عنوان مسیر تجارت و مکان مبادلهٔ حجم عظیمی از کالاهایی بوده است که از طریق راه‌های تجاری‌ای که واحه‌های داخلی آسیا و مراکز تجاری هند را به بنادر لوانت [شرق میانه یا کرانه‌های خاوری مدیترانه] و خلیج فارس متصل می‌ساخت، جا به جا می‌شد. هیچ دوره‌ای در تاریخ کشور در ارائه یک چهره شکوفای تجاری با اواخر دوره صفوی به ویژه سده هفدهم میلادی/یازدهم هجری برابری نمی‌کند. تصویر تاریخننگاری از این چهره، دو لایه است: دوره سلطنت شاه عباس اول (۹۵۵ - ۱۰۳۸ ق/۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م) و به‌ویژه سیاست تجاری مشهور او که بهترین نمونه آن، ایجاد شبکه وسیعی از کاروان‌سراها و تضمین امنیت مسیرهای تجاری بود، یکی از این لایه‌ها را تشکیل می‌دهد، لایه دیگر در اصل، شواهدی است که در دسترس مورخ جدید قرار دارد. برخلاف دوره سلطنت اسلافش که عمدتاً و لاجرم نیازمند وقایع‌نگاری‌های درباری هستیم که هم مطلب خاصی در زمینه مسائل تجاری به دست نمی‌دهند، دوره شاه عباس و جانشینان بلافصل او دارای منابع ارزش مندی در اسناد دریایی اروپاییان و سفرنامه‌هاست که خود عمدتاً حاصل فعالیت بازرگانی بوده‌اند.

تصویری که منابع مزبور از شاه عباس به عنوان نمونه شرقی یک مرکانتلیست ایجاد کرده‌اند، باعث ایجاد انگاره‌هایی از ایران به عنوان «امپراطوری بازرگانی» شده است. با این حال، این تصویر به‌راحتی واقعیت را مخدوش می‌سازد. اگر بخواهیم به استناد وقایع‌نگاران درباری قضاوت کنیم، باید بپذیریم که مسائل نظامی آن چنان بر امور دولت سایه افکنده بود که اصطلاح «دولت جنگ‌جو» از اصطلاح «دولت تجاری» برای دولت صفوی برانزده‌تر می‌نماید، حتی در قرن دوم حاکمیت صفویان که فتوحات و توسعه‌طلبی‌ها جای خود را به استحکام و تثبیت کشور داد و امور نظامی تحت‌الشعاع امور دیوان‌سالاری قرار گرفت. افزون بر این، تا جایی که به امور اقتصادی، به‌ویژه مسئله درآمد مربوط می‌شود، تردید اندکی وجود دارد که بخش غیر اقتصادی تجارت تا حد زیادی بر اهمیت تجارت، به‌خصوص تجارت راه دور ترجیح داشت. این امر از گزارش‌های سیاحان و تجار خارجی به وضوح مشهود است. هیچ دلیلی بهتر از این نمی‌توان یافت که در منابع دریایی، ذکری از بازرگانان بومی ایران به میان نمی‌آید و علاوه بر این در وقایع‌نگاری‌های درباری هم از آن‌ها سخنی نیست. گرچه این‌گونه مثل‌ها به دهقانان هم توجهی بیشتر از بازرگانان نشان نمی‌دهند، اما نباید این حقیقت نادیده انگاشته شود که بازرگانان نقش مهمی در جامعه عصر صفوی ایفا می‌کردند. هر چند آن‌ها در کانون

سیاست و تصمیم‌گیری‌ها نقشی نداشتند در مجموع این امر کاملاً امکان‌پذیر است که به تاسی از *سازگی سابرامانیام*^۲ دوگانگی بین دولت‌های تجاری و امپراطوری‌های بری را بشکنیم بدون اینکه مجبور باشیم نهایتاً از این دیدگاه صرف‌نظر کنیم که تجار عصر صفوی موقعیت میانداری نداشتند.^۳

هدف اصلی مقاله این است که تجار عصر صفوی را از تاریکی و ابهام بیرون آورد. به رغم اهمیت بسیار بُعد تجاری دولت صفوی، محققان این دوره تاریخ ایران توجه اندکی به مسائلی معطوف داشته‌اند که مدت مدیدی توجه محققان پیش از دوره مدرن هند را به خود جلب کرده بود که نه تنها آشنایی گسترده‌تر و طولانی‌تری نسبت به منابع دریایی داشتند، بلکه همچنین در راستای افزایش این حقیقت بودند «بحران امپراطوری» در قرن هجدهم، مقدمه‌ای برای به استعمار کشاندن، توسط همان اخلاف بلافصل آن‌هایی بوده که به عنوان تاجر در سواحل شبه قاره قدم گذاشتند. در سال‌های اخیر، محققانی درباره تجار دوره پیش از عصر مدرن و اوایل دوره مدرن در ایران مطالبی به رشته تحریر در آورده‌اند. پژوهش مهدی کیوان در مورد صنعت‌گران و «اصناف» در عصر صفوی ارجاعات و اشارات زیادی به تجار دارد. مقاله‌ای که توسط *ژان کالمار*^۴ نوشته شده بیان‌گر تحول تدریجی تجار ایرانی بود که به عنوان گروه‌های فشار از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم عمل می‌کردند و رساله دکتري رودیگر کلاین^۵ مشتمل بر اطلاعات زیادی راجع به فعالیت‌های تجاری در بندرعباس در قرن هفدهم است. با وجود این، *ادموند هرتسیگ*^۶ و *آنا باگدیانتز مک کیب*^۷ که گروه خاصی را بررسی کرده‌اند هیچ یک از این دو پژوهش‌گر، تجار ارمنی عصر صفوی را در جلفای جدید به‌طور ویژه مورد تحقیق قرار نداده‌اند و راه‌هایی را که این بازرگانان بر نظام سیاسی تأثیر گذاشته‌اند، بررسی نکرده‌اند.^۸

مبحث ذیل در پی آن است که با تمرکز بر سه جنبه از تجارت ایرانیان در عصر صفوی، توأم با تأکید بر دوره سلطنت شاه عباس (۹۹۵ - ۱۰۳۸ ق/ ۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م) تا سقوط دولت صفوی در سال ۱۱۳۵ ق/ ۱۷۲۲ م بخشی از شکاف موجود را پر کند. اولین مسئله این است که چه کسانی و به چه میزانی در تجارت شرکت می‌کردند؟ این بخش در صدد بررسی تجار براساس طبقه بندی قومی و مذهبی مشتمل بر ارامنه، یهودیان، هندیان و مسلمانان و نیز نوع فعالیتی است که در اموری، مانند خدمات مالی، تجارت کالاها، جزئی و تجارت در فواصل دوردست انجام می‌دادند. دومین و مهم‌ترین مسئله‌ای که در این مقاله، بررسی می‌شود جایگاه سیاسی، اجتماعی بازرگانان، به‌ویژه رابطه آن‌ها با دولت است. این بخش بر این مسئله متمرکز است که آیا تجار جزء لاینفک دولت بودند؟ و به دلیل خدماتی که انجام می‌دادند به عنوان نخبگان حاکم در سلسله مراتب دیوان‌سالاری جای می‌گرفتند؟ یا بیشتر یک طبقه مستقل را تشکیل می‌دادند و در عرصه جداگان‌های از نخبگان سیاسی زندگی می‌کردند و علاقه‌مند به فعالیت‌های خویش بوده و کسب درآمد می‌کردند؟ بخش سوم و آخرین

بخش این مقاله، روابط دولت و تجار را با بررسی این مسئله از منظر ادراک و خودآگاهی مورد کنکاش قرار دهد. این بخش بر آن است تا شاخصه‌های صداقت و خودآگاهی تجار را مشخص کند. این امر از طریق بررسی این مطلب حاصل می‌شود که آیا دولت به بازرگانان نزدیک می‌شد؟ و آیا با تجار به عنوان اقلیت‌های قومی در حاشیه یا به عنوان یک گروه حرفه‌ای منسجم برخورد می‌کرد؟ و اینکه آیا تجار در عملکردشان آگاهی گروهی داشتند؟

۲- شرکا یا دست اندر کاران تجارت دوردست

بازرگانان عمده فروش در فواصل دوردست، تجار و سوداگران چه کسانی بودند؟^۹ در منابع فارسی، اطلاعات مستقیم اندکی درباره آن‌ها وجود دارد. منابع ارمنی و مشاهده‌های سیاحان غربی و کارگزاران شرکت اروپایی هند شرقی نیز در این مورد، تصویری جامع و منسجم ارائه نمی‌دهند، اما دست کم پرتو کم فروغی بر این عناوین و طبقه‌بندی‌ها می‌افشانند. به نظر می‌رسد یک سلسله مراتب مشخص بر دنیای تجارت حاکم بوده است. تجار ارمنی از طبقه‌بندی سه‌گانه میان مغازه‌داران خرده فروش، بازرگانان عمده فروش، (بنکداران) که اجناس را به مغازه‌داران خرده‌فروش تحویل می‌دادند و تجاری که به مسیرهای دوردست مسافرت می‌کردند، آگاه بودند.^{۱۰}

میان دسته‌های اخیر (بازرگانان راه دور)، اعم از ارمنیان و دیگران، تمایز بیشتری بین آنچه مأموران کمپانی هند شرقی هلند «بازرگانان عمده» (تجار) نامیده‌اند (که بیشتر کالاهای خود را از بندرعباس می‌خریدند و از حقوق خاص خریدار بهره‌مند می‌شدند) و «تجار جزء» یا (خرده‌فروشان) وجود داشت. بازرگانان عمده‌فروش گاهی خود شخصاً به ساحل خلیج فارس می‌آمدند، ولی اغلب نمایندگان یا وکلای خود را روانه می‌کردند. خرده‌فروشان از این امتیاز محروم بودند. خرده‌فروشان ارمنی مجبور بودند در قالب گروه‌های کوچک دو یا سه نفره در اطراف و اکناف کشور مسافرت کنند و به نقاط دوردست رفته و در آنجا کالاهای تولیدی خود را بفروشند و در عوض، حق‌العامل ناچیزی که سود آن بیش از پنج درصد نمی‌شد دریافت کنند.^{۱۱} در طرف دیگر این طیف، تجار برجسته ارمنی جلفای جدید قرار داشتند که به طور دائم وکلایی را استخدام کرده بودند. اینان که در واقع، خواجه نامیده می‌شدند، هرگز سفر نمی‌کردند و بدین‌گونه خود را از دیگران متمایز می‌ساختند. آن‌ها سرمایه فراهم می‌کردند و کارگزارانشان برای انجام امور تجاریشان روانه سفر می‌شدند و ثروت آن‌ها را افزایش می‌دادند.^{۱۲} مسئله دیگری که باعث تمایز بازرگانان عمده‌فروش، اعم از ارمنی و غیره، از خرده‌فروشان می‌شد، اعتبار آن‌ها بود، از همین رو ثروت یک تاجر جلفای جدید نه بر اساس کالاهایی که او مالک بود و نه بر مبنای خان‌هاش، بلکه فقط بر اساس سرمایه‌اش ارزیابی می‌شد.^{۱۳} کسانی که

فاقد این خصیصه بودند (سرمایه و اعتبار نداشتند) مانند تاجران جزء و خرده‌فروش، مجبور بودند قیمت اجناسی را که می‌خریدند، نقداً بپردازند.

تاجران نیز مانند تمام اعضای جامعه، براساس زادگاه و تعلقات قومی و مذهبی‌شان طبقه‌بندی می‌شدند. کاروانسراه‌های اصفهان نام خود را از بازرگانان منطقه‌ای خاص، چه در قلمرو حکومت صفوی و چه بیرون از مرزهای ایران یا بازرگانانی که وابسته به قومیت یا مذهب خاصی بودند، می‌گرفتند. بر این اساس، ما نام‌های بازرگانان گیلکی، خراسانی و فرنگی را در کنار نام بازرگانان عرب، ارمنی و مسلمان می‌شنویم.^{۱۴} بنابراین، خوب و قابل توجیه است که بحث را طبق نظریه‌ای که بازرگانان را بر مبنای گروه‌های زادبومی متمایز می‌کند، پیگیری کنیم.

الف) ارمنیان

مشارکت فعال ارمنه و دیگر اقلیت‌های قومی و مذهبی در تجارت راه دور در اواخر دوره صفویه، غیرقابل تردید است. تمام شاهدان هم‌عصر، نقش بسیار مهم ارمنه را در تجارت اواخر دوره صفوی تأیید می‌کنند. ارمنه از یک شبکه ارتباطی عالی تجاری که از لندن و آمستردام به حاشیه آسیای اقیانوس آرام گسترش می‌یافت، استفاده می‌کردند. انواع مشارکت‌های تجاری، نظیر *کاماند*/^{۱۵} که آن‌ها از آن استفاده می‌کردند، و وجود جماعت‌های ارمنی در سرتاسر اروپا و آسیا که میزان خطرپذیری معاملات بازرگانی را کاهش می‌داد و این امر در دنیایی که متکی بر گزارش‌های شفاهی و شایعات برای کسب خبر بود، اهمیت داشت و تسهیلات اعتباری منحصر به فردی در اختیار آن‌ها قرار می‌داد و کانال‌های ارتباطی ارزش‌مندی به آن‌ها ارائه می‌داد.^{۱۶} آگاهی دقیق آن‌ها از راه‌ها و بازارها و درجه بالای انعطاف‌پذیری‌شان، شرایط را برای موفقیت تجاری آن‌ها تکمیل می‌کرد.^{۱۷}

از اواسط قرن شانزدهم، تجار ارمنی عاملان برجسته تجارت میان ایران و سواحل مدیترانه بودند؛ جایی که تعداد کثیری از آن‌ها در بندرگاه‌های [باراندازهای دریایی] راه‌های معتبر متعددی، نظیر حلب و لیوورنو مشغول کار و زندگی بودند.^{۱۸} بعد از اینکه شاه عباس اول در سال ۱۰۲۸ق/۱۶۱۹م حقوق انحصاری صادرات را به ایشان اعطا کرد، تقریباً انحصار تجارت ابریشم را میان ایران و لوانت در عثمانی به دست آوردند. گرچه این حقوق رسمی، یک دهه بعد با لغو انحصار تجارت ابریشم توسط شاه صفی اول منسوخ شد، ولی باز هم تا پایان دوره صفویه تجارت زمینی ابریشم تحت سیطره ارمنه بود. نمونه مثال‌های اندکی جهت تبیین این مطلب وجود دارد. محقق، اسامی ۲۵۰۰ بازرگان جلفایی را در آرشیو ونیزی قرن هفدهم شمرده است.^{۱۹} ارمنیان جلفا طی دوره‌هایی که دولت فرانسه اجازه فعالیت در ماری را به آن‌ها می‌داد، بخش عمده ابریشم ایرانی را وارد این بندر می‌کردند. و

آن‌ها که تعدادشان در سال ۱۰۹۱ق/۱۶۸۰م به سی صد تا چهارصد نفر بالغ می‌شد، تصمیم گرفتند یک نفر را از میان خودشان به عنوان نماینده به اطاق اصناف بفرستند.^{۲۰} شهر لیوانو در دهه ۱۰۷۰ق/۱۶۶۰م محل سکونت سی صد نفر ارمنی بود و در همان زمان این شهر به محل اقامت کنسول ایرانی [کنسول‌گری] ارمنی تبدیل شد.^{۲۱}

ارامنه و تجار دیگر در ازای ابریشم و سایر کالاهای ایرانی، مانند روناس، احشام و خشکبار، مقدار زیادی پارچه از لوانت به ایران می‌آوردند.^{۲۲} به هر حال، بخش عمده محموله دریایی بازگشتی به ایران را، مسکوکات تشکیل می‌داد. از آنجا که ایران از معادن طلا و نقره با بهره‌وری بالایی برخوردار نبود، بنابراین، تقاضا برای فلزات گران‌بها که عمدتاً از طریق عثمانی وارد می‌شد وجود داشت. این موضوع که ارمنیان در بنادر لوانت در ازای ابریشم چیزی به غیر از پول نقد قبول نمی‌کردند، واقعیت ندارد.^{۲۳} در مورد این موضوع که ارامنه تا جایی که می‌توانستند با خود سکه فلزی به ایران می‌بردند، تردید اندکی وجود دارد و جریان عظیم طلا و نقره به دربار صفوی گواه آن است که آن‌ها در این امر بسیار موفق بودند. هنگامی که مسکوکات رایج، کمیاب می‌شدند، که معمولاً این‌گونه بود، آن‌ها مجبور بودند کالاهایی مانند ماهوت انگلیسی بخرند و اغلب آن را با قیمت ارزان‌تری در ایران بفروشند.^{۲۴} بنابراین، گفته شده در سال ۱۱۰۷ق/۱۶۹۶م تقریباً ده‌هزار نیم قواره پارچه از امپراطوری عثمانی به ایران وارد شده است.^{۲۵}

دیدگاه سنتی درباره بازرگانان ارمنی ایران به عنوان خرده‌فروشان که عمدتاً/ستینس‌گارد^{۲۶} طرفدار سرسخت آن است، دیگر منسوخ شده است.^{۲۷} درست است که تاجران ارمنی در تجارت داخلی نوعاً خود را خرده‌فروش نشان می‌دادند، ولی در تجارت خارجی، به‌ویژه در تجارت لوانت، خاندان‌ها و خانواده‌های برجسته ارمنی اهل جلفای جدید، مانند خاندان کالانتر و خاندان شهر امین مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کردند. آن‌ها یک شورای بازرگانی تشکیل دادند که طبق نظر برخی محققان در اواسط قرن هفدهم شرکت جلفا نامیده شد؛ شرکتی که به تقلید از شرکت‌های دریایی اروپایی شکل گرفته بود.^{۲۸} با این حال، کارگزاران شرکت‌های دریایی اروپایی هرگز از وجود چنین شرکتی سخن نمی‌گویند و احتمال اینکه این شرکت به شرکت تجاری گسترده‌ای فراتر از پیوندهای خانوادگی تبدیل شده باشد، بسیار اندک است. چنان‌که هر تسیک خاطر نشان می‌سازد، ارامنه هرگز تمایز روشنی بین خانواده به عنوان واحد اجتماعی و خانواده به عنوان یک وجود اقتصادی قائل نبودند تا جایی که قدرت و مسئولیت متقابل شرکای شرکت به واسطه رابطه خویشاوندی شکل می‌گرفت نه از طریق توافق رسمی.^{۲۹}

ثروت بسیار تجارتخانه‌های بزرگ جلفا آن‌ها را از طبقه خرده‌فروشی کاملاً جدا می‌کرد. فرایر^{۳۰} مدعی است که ثروت بسیاری از خواجگان جلفا به (صد هزار تومان) می‌رسید.^{۳۱} تاورنیه خاطر نشان می‌سازد که خواجه پطروس که تاجر ثروتمندی بود، هنگام مرگ چهل هزار تومان از خود به ارث گذاشت.^{۳۲} هلندیان در دهه ۱۰۹۱ق/۱۶۸۰م خواجه زکریا و ماکارا را ثروت‌مندترین تاجران جلفا دانسته‌اند.^{۳۳} گفته می‌شود آقا پیری، رئیس جامعه آرامنه جلفای جدید و یکی از برجسته‌ترین تجار شهرک جلفا مبلغ دو میلیون لیور یا تقریباً ۴۵۰۰۰ تومان بعد از مرگش در سال ۱۰۸۴ق/۱۶۷۳م به جای گذاشت. شاردن، منبع این اطلاعات نیز اظهار می‌دارد که طی دوره سلطنت شاه صفی تعداد شصت تاجر جلفایی وجود داشتند که صاحب سرمایه‌ای بین ده‌هزار تا دو میلیون/کو (۶۶۰۰۰ - ۱۳۳۰۰۰ تومان)^{۳۴} بودند. برای روشن‌تر شدن این ارقام باید افزود که در همان دوره، درآمد کلی سالانه شاه صفوی بالغ بر شش صد هزار تومان می‌شد.

به نظر می‌رسد تجار ارمنی نه فقط در مورد تجارت ابریشم، بلکه در اقسام فراوانی از تجارت در فواصل دوردست در نقاط شمالی ایران حرف اول را می‌زدند. پایین بودن سقف هزینه و میزان سود اندک که به آن بسنده می‌کردند و توانایی ارائه پاسخ سریع به تقاضاهای بازار، آن‌ها را نزد دیگران، به‌ویژه کمپانی‌های دریایی به عنوان رقبایی نیرومند جلوه‌گر ساخت.^{۳۵} شرکت‌های تجاری اروپایی، در رأس همه آن‌ها کمپانی هند شرقی انگلیس، در اواخر قرن هفدهم در رقابت با ارمنی‌ها، در مسیرهای زمینی شمالی، آنچه را که می‌توانستند انجام دادند و سعی کردند تا با فروش زیر قیمتِ منسوجات حلب، آن‌ها را از میدان خارج کنند. به هر حال، هزینه‌های گزاف ناشی از ساختار تشکیلاتی آنان، عدم شناخت کافی آن‌ها از درون قلمرو دولت صفوی و وابستگی آن‌ها به حجم انبوه کالاهای تجاری باعث شد که اروپاییان نتوانند آرامنه کار کشته را از موقعیت محکم تجاری خود برانند.

انگلیسی‌ها پس از شکست در رقابت آشکار، در دهه‌های ۱۰۹۱ق/۱۶۸۰م سعی کردند با پیشنهاد قراردادهای تجاری با جلفا از ناامنی راه‌های تجاری ترکیه و گسترش بازرگانی ارمنیان در اروپا بهره‌مند شوند. پیرو قراردادهای پیشنهادی در سال ۱۰۹۹ق/۱۶۸۸م ارمنی‌ها می‌توانستند از کشتی‌های انگلیسی برای حمل و نقل تمام ابریشم و سایر کالاهای خود از هند و ایران به اروپا استفاده کنند. مشکلات اداری و منافع متعدد جوامع ارمنی در لوانت، ایران و هند به ترتیب باعث شد کار مخاطره‌آمیز بازرگانی، با شکست رو به رو شود. بعدها در سال ۱۱۰۵ق/۱۶۹۴م انگلیسی‌ها هم در متقاعد ساختن پنج تاجر برجسته ارمنی از اصفهان جهت تغییر مسیر تجارت پارچه از لوانت ناموفق بودند.^{۳۶}

تجارت و دیپلمات‌های ارمنی هم به شدت در تجارت رو به رشد با غرب از طریق مسکو و آرخانگل در روسیه درگیر بودند. در اوایل قرن چهاردهم از بازرگانان ارمنی در مسکو یاد می‌شود.^{۳۷} و احتمال دارد که آن‌ها در تلاش جهت بازگشایی مسیر ایران به اروپا از طریق روسیه در اوایل قرن شانزدهم، هنگامی که عثمانی ایران را در محاصره اقتصادی قرار داده بود، نقش کلیدی داشتند.^{۳۸} آن‌ها به نقش فعال خود در مسیر ولگا ادامه دادند، اما صرفاً در نیمه دوم قرن هفدهم بود که در این مسیر، نیروی تازه‌ای دمیده شد. جنگ در اروپا و تهدید از سرگیری منازعه بین دولت صفوی و عثمانی، بازرگانان جلفا را بر آن داشت که به‌طور جدی راه شمالی را به عنوان مفرّ دیگری برای رسیدن به لوانت جست و جو نمایند. آن‌ها بین سال‌های ۱۰۷۸ق/۱۶۶۷م و ۱۰۸۴ق/۱۶۷۳م یک سری امتیازهای تجاری از مسکو به دست آوردند و در اواخر قرن هفدهم به‌طور فزاینده‌ای از روسیه به عنوان یک مسیر حمل کالا برای صادرات ابریشم به اروپا استفاده کردند. آن‌ها همچنین به عنوان بخشی از تکاپوهایشان در شمال، با سوئد روابطی برقرار کردند. در سال ۱۱۰۳ق/۱۶۹۲م و ۱۱۰۸ق/۱۶۹۶م هیئت نمایندگان ارمنی از جلفای جدید به سرپرستی فیلیپ زاکلی^{۳۹} جهان وطن سوئدی و کورلند را به منظور یافتن مسیرهای تجاری که بتواند به عنوان راه جایگزین کوتاه‌تر به آرخانگل مورد استفاده قرار گیرد، بازدید کردند.^{۴۰}

مشارکت ارمنی در تجارت با هند سرانجام راه‌های زمینی را نیز مانند راه‌های دریایی دربرگرفت. بیشتر تجارت پارچه که از مسیر زمینی قندهار انجام می‌گرفت در دست ارمنی بود، حال آن‌که حضور ارمنی ایرانی در هند فعالیت‌های تجاری آن‌ها را از طریق خلیج فارس تسهیل می‌کرد. آن‌ها در تجارت دریایی از تسهیلات باری کشتی‌های اروپایی و نیز کشتی‌های خودشان بهره می‌بردند، زیرا کشتی‌هایی برای خودشان نیز داشتند. ارمنی‌ها در تجارت با مخا^{۴۱} در یمن با حمل قهوه و سایر خوردنی‌ها به بندرعباس و سورات فعال بودند.^{۴۲} یکی دیگر از حوزه‌های مهم [تجاری] که ارمنی در آن نقش فعالی داشتند، حمل مقدار زیادی شمش طلا و سکه از ایران به هند بود.

ب) یهودیان

در خصوص اوضاع و احوال مادی و اقتصادی جماعت یهودیان در اواخر عصر صفوی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. میزان دقیق مشارکت آن‌ها در تجارت عمده‌فروشی نیز نامشخص است. تنبرو،^{۴۳} سیاح پرتغالی در سال ۹۲۹ق/۱۵۲۳م در توصیف لار، شهر جنوبی پرجمعیت یهودی، آن را جماعت فقیر یهودی خواند.^{۴۴} به نظر می‌رسد لار در قرن شانزدهم به دلیل ورود فراوان همکیشان

سفاردی^{۴۵} رشد کرده است، و از تجار یهودی در این زمان به عنوان فعالان تجاری در مسیر هرمز و اصفهان یاد می‌شود.^{۴۶} با وجود این، مردم به طور کلی فقیر باقی ماندند. توماس هربرت^{۴۷} در دهه ۱۰۲۹ق/۱۶۲۰م به وضعیت نابسامان سکنه این شهر اشاره می‌کند.^{۴۸} تقریباً یک قرن بعد نیز وورم^{۴۹} مشاهده کرد که چگونه یهودیان وضعیت نامساعدی داشتند و واقعاً سکنه مسلمان شهر با آنان هم‌چون بردگان رفتار می‌کردند.^{۵۰}

دومان و شاردن سکنه یهودی اصفهان را اندک و همه را فقیر دانسته‌اند.^{۵۱} در واقع، شاردن مدعی است که یهودیان در سرتاسر ایران توانایی مالی چندانی نداشتند. او اظهار می‌دارد که تعدادی از یهودیان در کارهای صنعتی و فنی مشغول بودند، اما بیشتر به عنوان صراف فعالیت می‌کردند و شراب می‌فروختند؛ دو شغلی که مسلمانان از آن منع شده بودند.^{۵۲} کورنلیس دو بروین^{۵۳}، سیاح هلندی در سال ۱۷۰۳م در مورد فقر اکثر هفتصد خانواده یهودی شیراز صحبت می‌کند.^{۵۴}

بسیاری از یهودیان چه فقیر و چه غنی، در ایران عصر صفوی در کار تجارت فعال بودند. آراکل، وقایع‌نگار ارمنی که گزارش خود را در نیمه قرن هفدهم به رشته تحریر درآورده است، خاطرنشان می‌سازد که بسیاری از یهودیان، تاجر بوده و در خرید و فروش پارچه مرغوب و آلات زینتی نقره موفق بودند.^{۵۵} اِسترویس^{۵۶} در سال ۱۰۸۲ق/۱۶۷۱م ادعا می‌کند که تنها سکنه غیرمسلمان دریند، تاجران یهودی بودند. او در توصیف شماخی به حضور تاجران یهودی پارچه در این شهر اشاره می‌کند.^{۵۷} شلینگر^{۵۸} در اوایل قرن هجدهم نیز خاطرنشان می‌سازد که یهودیان لار به طور گسترده در صنعت جزئی نساجی ابریشم در همه ایالت کرمان مشغول هستند.^{۵۹} تعدادی از تجار یهودی، غیر از تعداد اندکی که مشغول خرده فروشی بودند، ثروتمند بوده‌اند چرا که منابع هلندی در مورد یهودیان یادآوری می‌کنند که آن‌ها در تجارت نقش مهمی داشتند.^{۶۰} آن‌ها در تجارت خرده فروشی و همچنین تجارت دوردست فعال بودند. تجار یهودی شیراز در اصفهان کاروانسراهای خاص خود را داشتند که جارچی باشی نامیده می‌شد(و اجازه نداشتند که در مکان دیگری اطراق کنند).^{۶۱} در سال ۱۰۴۱ق/۱۶۳۲م یک شرکت کمپانی هند شرقی هلند مدعی است که بیشتر تجارت ابریشم ایران در دست میرزا ساروتقی، وزیراعظم و تاجری به اسم *خواجه دود* بود.^{۶۲} نقشی که یهودیان در تجارت ایفا می‌کردند در *افضل التواریخ* توصیف شده است. این منبع خاطرنشان می‌سازد *خواجه لاله‌زار* یهود، از جمله کسانی بود که به عنوان غلامان وفادار شاه در فرخ آباد اسکان یافته و پس از ایجاد انحصار صادرات ابریشم سلطنتی در سال ۱۰۲۸ق/۱۶۱۹م قرار شد که انحصار صادرات ابریشم گیلان به او واگذار شود.^{۶۳} همان منبع در میان بازرگانان فهرستی از بازرگانان یهودی را ارائه می‌کند که به

امپراطوری عثمانی ابریشم حمل می‌کردند. تاورنیه به طور مستقیم و از منظری تقریباً متفاوت موضوع را بررسی کرده و چنین اظهار می‌دارد که گرچه یهودیان ممکن بود فقیر به نظر برسند، ولی واقعیت غیر از این بود.^{۶۴} به نظر او تجارت داخلی ایران در دست ایرانیان، یعنی مسلمانان و یهودیان قرار داشت.^{۶۵}

یهودیان، به‌ویژه در امر ایجاد اعتبار به‌صورت برات برای کمپانی‌های اروپایی در بندرعباس فعال و مهم بودند. بستانکار در این معاملات، کالاهای کمپانی هند شرقی هلند را به استناد اسناد تعهد پرداخت، توسط قرض دهنده در اصفهان خریداری می‌کرد. دو فهرست اسناد مبادله متعلق به اواسط سال ۱۰۶۷ق/۱۶۵۷م به دست آمده و در نمودار شماره یک و دو مجدداً ارائه شده است که نقش بستانکاران یهودی را نشان می‌دهد. در فهرست مورخه ۲۸ ژوئن ۱۶۵۷م هشت نفر از بیست نفر بستانکاران، یهودی، و در فهرست مورخه ۲۱ جولای تمام کسانی که برای هلندیان برات فراهم می‌کردند، یهودی بودند.

در عصر زمامداری شاه عباس دوم (دوره سلطنت ۱۰۵۲-۱۰۷۷ق/۱۶۴۲-۱۶۶۶م) اولیای امور دولت صفوی تدابیری را برای رعایای غیرمسلمان ایران اتخاذ کردند. محدودیت‌های تجاری بر ارامنه اصفهان تحمیل می‌شد و یهودیان را مجبور می‌کردند تغییر مذهب داده، به اسلام بگروند. این اقدام ابتدا در سال ۱۰۵۵-۱۰۵۶ق انجام گرفت.^{۶۶} هلندیان در سال ۱۰۶۷ق/۱۶۵۷م اظهار داشتند این اقدام بر تجارت که عمدتاً توسط ارمنیان و یهودیان انجام می‌گیرد، تأثیر منفی دارد.^{۶۷} دراز مدت این اقدام و تدابیر دیگری بر تجارت، تأثیر منفی گذاشت.

جدول شماره ۱

برات‌هایی که در بندرعباس برای اصفهان جهت کالاهای کمپانی هند شرقی در ۲۸ ژوئن ۱۶۵۷ صادر شده است.

بانی = ب، یهودی = ی، مسلمان = م

مبلغ به محمودی	بستانکار	بدهکار
۹۰۰۰۰	همان	میرزا صفی (م) Mirza Safi
۶۰۰۰	لطف الله (م) Lutf Allah	حاج محمد (م) Haji Mohammad
۴۳۰۰۰	حاج محمد (م) Haji Mohammad	حاج زین (م) Hajji Zayn

مبلغ به محمودی	بستانکار	بدهکار
۲۰۰۰۰	معین الدین جمال (م) "Mein" al-Din Jamal	شیخ محمد کریکل (کریم؟) (م) Shakh Muhammad "Kricl" (Karim?)
۶۰۰۰۰	یوسف ابراهام (ی) Yusuf Abraham	آبراهام زاسو (ی) "Abraham "Zasoc
۲۰۰۰۰	یوسف صحوف (ی) "Yusuf "Sahoue	آبراهام یعقوب (ی) Abraham Ya'qub
۶۰۰۰۰	ملا علی ضیاء داروغه Molla "Alezia Dergoes"	آبراهام زاسو (ی) Abraham "Zasoc"
۱۰۰۰۰	گووندا (ب) Govende	موسی (ی) Musa
۳۵۰۰۰	شمس الدین (ی) Shams al-Din	ازقیال (ی) Ezckiel (Asghy)
۵۰۰۰۰	شیاکو (ی) Schiakoe	مانشا (ی) Masha
۱۲۵۰۰۰	ویدادار (ب) Veydader	جی دادار (ب) Gcydader
۸۰۰۰۰	دنیر (ی) Doener	بابایی (با بیک) (ی) Baba'i (Babeecq)
۵۰۰۰۰	(زاریا) هارون (ی) "Zerrie" Aaron	ماندی (ی) Mondy
۳۰۰۰	رامسی (ب) Ramsie	کاپاتیا (ی) Capatia
۱۶۰۰۰	گانگوک (ب) Gangoe	رامسی (ب) Ramsie
۴۵۰۰۰	جمال (م)؟ Jamal	حاج نظام (م) Haji Nizam
۴۰۰۰	جمال (م)؟ Jamal	شیخ احمد فخر الدین (م) Shaykh Ahmad Fakhr al-Din
۴۱۰۶۳	آندرو مدیر کمپانی هند شرقی EIC dir. Andrews	سیتسیلن (ب) Sitsyan
۷۵۰۰	مورائید گو کومانیج (ب) Moracr Gocomannij	دیو خان (ب) Dieuw Kan
۳۰۰۰۰	محمد ماسون (م) Muhammad "Masson"	میرزا صفی (م) Mirza Safi
۷۶۰۰۶۳ = ۲۶۶۰۲۳ :۱۶	جمع کل گیلدر (فلورن هلندی)	جمع کل

جدول شماره ۲

برات‌هایی که در بندرعباس در ۲۱ ژوئیه ۱۶۵۷/۱۰۶۷ ق جهت کالاهای کمپانی هند شرقی هلند برای اصفهان صادر شده است.

مبلغ به محمودی	بستانکار	بدهکار
۱۷۰۰۰	دانیا (دیونر) (ی) Dunya (Doener)	بابایی (بابیک) (ی) Babai (Babeeck)
۴/۴۰۰	هیروود (ی) "Herry"	مندى (ی) Mondy
۶۶۰۰	یهودا (ی) "Ouda"	آبراهام (ی) Abraham
۴۴۰۰	یهودا (سجاهو بدا) (ی) Yehuda (Sjahoe Beda)	مشیا (ی) Masha
۲۲۰۰	شمسی (ی) Ahamsy	ازقیال (ی) Ezekiel
۲۲۰۰	یوسف یعقوب (ی) Yusuf Ya`qub	آبراهام یعقوب (ی) Abaham Ya'qub
۴۴۰۰	گوندا (ب) Govenda	موسی (ی) Musa
جمع کل گیلدر (فلورن هلندی)		
۲۱۲۰۰		
۱۴۴۲۰		

منبع:

ARA, VOC 1224, Willemsz., Gamron to Van Wijek, Istahan, 27 July 7a57, tol.392

شاردن در دهه ۱۰۸۰ ق/۱۶۷۰ م اظهار داشت که یهودیان برتری خود را در صرافی از دست داده‌اند و پس از کشمکش سال ۱۰۶۶ ق/۱۶۵۶ م به نظر می‌رسد سهم آنان در ابعاد مالی تجارت واقعاً کاهش یافته است.^{۶۸} در اوایل قرن هجدهم تعداد یهودیانی که برای کمپانی هند شرقی هلند اعتبار فراهم می‌کردند، خیلی از بانیان عقب ماندند. به عنوان مثال، منابع کمپانی هند شرقی هلند در سال‌های ۱۱۱۸-۱۱۲۰ ق/۱۷۰۶-۱۷۰۸ م به ازای هر ده نفر بانی، سه نفر یهودی را ذکر کرده‌اند که برای هلندیان برات تهیه می‌کردند.^{۶۹} البته یهودیان در تمام ابعاد تجاری مشارکت داشتند. بازرگانان

عمده‌فروش یهودی، همه دارچینی را که توسط کمپانی هند شرقی هلند در سال‌های ۱۰۶۷ - ۱۰۶۸ ق/۱۶۵۷-۱۶۵۸م با کشتی به ایران وارد شد، خریداری کردند و هم‌چنین بیش‌تر فلفلی را که کمپانی در سال‌های ۱۰۶۷ - ۱۰۶۸ ق/۱۶۵۷-۱۶۵۸م به ایران وارد کرد، خریدند.^{۷۰} در سال ۱۰۹۴ ق/۱۶۸۳م نماینده کمپانی هند شرقی هلند در بندرعباس خاطرنشان کرد که دو تاجر مهم یهودی به نام‌های *ماندی* و *هارون* که از هلندیان در سال مبلغ ۲۰۰/۱-۵۰۰/۱ تومان جنس خریداری کرده، در گذشته‌اند.^{۷۱} دو تاجر یهودی دیگر که گفته می‌شود در اواخر قرن هفدهم معاملات زیادی با هلندیان انجام می‌دادند، یکی *یلیا اهل شیراز* و دیگری *یعقوب بابو* بود که خاستگاه او ذکر نشده است.^{۷۲}

ج) هندی‌ها

منابع دریایی، بانیان یا هندی‌های گجراتی را به عنوان مهم‌ترین تجار در حمل و نقل تجاری با هند معرفی می‌کنند. کاروان‌های آن‌ها از راه خشکی قندهار رفت و آمد می‌کردند. آن‌ها فعالان تجاری در حوزه خلیج فارس بودند و شبکه ارتباطی آن‌ها از سمت غرب تا دریای سرخ امتداد می‌یافت. تعداد انبوه آن‌ها در شهرهای بندری جنوب ایران توسط بسیاری تأیید شده است. گفته می‌شود بانیان، یک سوم مردم جمعیت بندرعباس را شامل می‌شدند. اما در سایر شهرهای بندری نظیر کنگ هم زندگی می‌کردند.^{۷۳} علاوه بر این، در تجارت داخلی هم تعداد زیادی هندی در مراکز شهری مختلف مشغول تجارت بودند. گفته می‌شود در اواخر قرن هفدهم تعداد دو‌یست تاجر هندی در شهر شماخی وجود داشتند.^{۷۴} [همچنین] گفته می‌شود در شهر اصفهان که مهم‌ترین مرکز تجاری بود بین ده تا پانزده‌هزار نفر از بانیان ساکن بوده‌اند.^{۷۵}

مهم‌ترین نقش تجاری بانیان که تمام شاهدان معاصر بر آن صحه می‌گذارند، تأمین اعتبار و معاوضه پول رایج بود. آن‌ها به دلیل اشتها در صرفه‌جویی و زیرکی در امور مالی به‌عنوان صرافان عمل می‌کردند و در ازای خدماتشان حق‌العمل می‌گرفتند. [در حقیقت] در قلمروهای اسلامی به علت تحریم رباخواری، صرافی را به اقلیت‌های مذهبی واگذار می‌کردند. افزون بر این، بانیان با محک زدن مسکوکات به منظور کسب اطمینان از عیار فلز و وزن آن، خدمت شایان و غیرقابل انکاری به حیات بازرگانان می‌کردند. گفته می‌شود در اوایل قرن هجدهم در بصره بسیاری از یهودیان مشغول وام دادن پول بودند.^{۷۶} در ایران هم بانیان بعد از نیمه‌های قرن هفدهم معروف‌ترین صرافان بودند و به سبب محدودیت‌هایی که برای یهودیان، مشهورترین دلالان پول ایجاد شد، بانیان جایگزین آن‌ها شدند. بانیان از نظر تعداد بیشتر از گروه‌های دیگری بودند که در اوایل قرن هجدهم برای کمپانی

هند شرقی هلند تأمین اعتبار می‌کردند. بیشترین دلالتان کمپانی‌های اروپایی نیز بانیان بودند. این شغل، امری موروثی (خانوادگی) بود. مرسوم بود که پسران و بنی اعمام همکار پدران و عموها باشند تا پس از بازنشستگی یا مرگ، جانشین آن‌ها شوند. اشتغال بانیان در کار وام دادن پول باعث شد که سیاحان غربی از آن‌ها به بدی یاد کنند. تعصب و تنفر غربی‌ها بیش از هر چیز به دلیل نرخ بهره و پولی بود که بانیان قرض می‌دادند.^{۷۷} در میان روحانیون شیعی ایرانی نیز عمل رباخواری بانیان و معاملات ناشی از آن با مسلمانان، نگرانی‌هایی پدید آورده بود و مقابله با آن باعث نارضایتی مسلمانان شد.^{۷۸}

هندی‌ها نه تنها نقش بانک‌دار و دلال را بازی می‌کردند، بلکه به گفته /ستیفن دیل^{۷۹} در زمینه تجارت منظم نیز فعال بودند.^{۸۰} منابع، صراحتاً به مشارکت بانیان در تجارت دوردست داخلی اشاره نمی‌کنند، اما واقعیت این است که آن‌ها در تجارت خرده‌فروشی فعال بودند و به عنوان شرکای تجاری با روسیه نیز شناخته شده‌اند.^{۸۱} /ولتاریوس خاطر نشان می‌سازد که در بازار اصفهان، حجره‌های تجار هندی را می‌توان در کنار حجره‌های تجار ایرانی مشاهده کرد. بنا به گزارش او آن‌ها ابریشم و اجناس کتانی می‌فروختند که به مراتب ظریف‌تر و بهتر از آن‌هایی بود که ایرانیان عرضه می‌کردند.^{۸۲} یک منبع ایرانی متعلق به دهه ۱۰۸۰ ق/۱۶۷۰ م که فهرست کاروانسرای اصفهان را ارائه کرده است، خاطر نشان می‌سازد که تجار هندی مرتبط با این چهار کاروانسرای شبانه‌روزی، بیش از کسانی بودند که با هر گروه دیگری در این سند رابطه داشتند. کالاهایی که آن‌ها مبادله می‌کردند شامل لباس، شکر و نیل می‌شد. بعضی از این بازرگانان بایستی ثروت‌مند بوده باشند، چرا که همان منبع با اشاره به /کاروانسرای جده و /کاروانسرای مستوفی سابق در اصفهان خاطر نشان می‌سازد که تجار ثروت‌مند هند در آنجا مأوا گزیده‌اند.^{۸۳} /ساردن به کاروانسرای مولتانی‌ها در شیراز اشاره می‌کند و آن‌را زیباترین کاروانسرای شهر می‌خواند.^{۸۴} این حقیقت که آن‌ها در امر معاوضه پول برتری یافتند، شاید نمایان‌گر افزایش نقش کلی آن‌ها در حیات تجاری هندیان در واپسین سال‌های سده هفدهم باشد. این امر هم‌چنین می‌تواند از حضور فزاینده بانیان شهرهای مختلف شمالی نیز استنباط شود که در سه دهه آخر قرن هفدهم از آن یاد شده است.^{۸۵} آن‌ها در مسیر ولگا فعال بودند؛ جایی که آن‌ها اولین مکان را فقط به ارامنه واگذار کردند. اولین باری که از حضور هندی‌ها در هسترخان یاد شده، در اوایل قرن هفدهم بوده است گرچه مشخص نیست که آیا آن‌ها مستقیماً از هند آمده‌اند یا از طریق ایران؟^{۸۶}

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Rudi matthee "MERCHANTS IN SAFAVID IRAN: PARTICIPANTS AND PERCEPTIONS" *Journal of Early Modern History*, 4-3-4, Leiden, 2000

[قابل ذکر است که این ترجمه به رؤیت مؤلف محترم که زبان فارسی را خوب می‌داند رسیده است.]

2. Sanjay Subrahmanyam.

3. Sanjay Subrahmanyam, *The Portuguese Empire in Asia 1500-1700: A Political and Economic History* (London, 1993), 19.

4. Jean Calmard.

5. Rudiger Klein's.

6. Edmund Herzig.

7- Ina Baghdiantz McCabe.

8. Mehdi Keyvani, *Artisans and Guild Life in the Later Safavid Period: Contributions to the Social-Economic History of Persia* (Berlin, 1982); Jean Calmard. "Les marchands iraniens. Formation et montée d'un groupe de

pression 16^e -19^e siècles," in *Marchands et hommes d'affaires asiatiques dans l'Océan Indien et la Mer de Chine 13e-20e siècles*, ed. Denys Lombard and Jean Aubin (Paris, 1987). 91-107; Edmund Herzig. "The Armenian Merchants of New Julfa, Isfahan: A Study in Pre-modern Asian Trade" (Ph.D.dissertation, Oxford University, 1991); and "The Family Firm in the Commercial Organization of the Julfa Armenians," in *Etudes Safavides*, ed. Jean Calmard (Paris /Tehran, 1993). 287-304; Ina Baghdiantz McCabe, *The Shah's Silk for Europe's Silver: The Eurasian Trade of the Julfan Armenians in Safavid Iran and India (1530-1750)* (Atlanta, 1999); Rüdiger Klein, "Caravan Trade in Safavid Iran (first half of the 17th century)". in *Etudes Safavides*, ed. Calmard. 305-18. See also Stephen Frederick Dale, *Indian Merchants and Eurasian Trade, (1600-1750)* (Cambridge, 1994).

۹. تجار و سوداگر، تا حدی مترادف هستند، اما دومی برای بازرگانان کم اهمیت به کار می‌رفت. رک:

Keyvani, *Artisans and Guild Life*, 216

10. V.A. Baiburtian, *Armanskaia Koloniia NoVoi Dzhul'fy v XVII veke* (Rol'novoi

Dzhul'fyV irano-evropiskikh politicheskikh i ekonomicheskikh zvaziakh) (Erevan, 1969), 77.

11. Shushannik Khachikyan. "Typology of the Trading Companies Owned by the Merchants of New Julfa", "paper presented to the Second Conference of Iranian Studies, May 1998, Bethesda, MD.

12. Ina Baghdiantz McCabe, "Silk and Silver: The Trade and Organization of New Julfa at the End of the Seventeenth Century," *Revue des Etudes Armeniennes* 25 (1994-5), 396.

13. McCabe, "Silk and Silver," 398.

14. "Dar danistan-i karavasara-ha-yi Isfahan," *Vademecum of long- distance merchants*,

British Museum, Ms. Sloane 4094, facsimile and German trans. in Heinz Gaube and E. Wirth, *Der Bazar von Isfahan* (Wiesbaden, 1978), 261-85.

۱۵. نظیر مضاربه نزد مسلمانان.

۱۶. کاماند/ توسط جان فرای مورد اشاره قرار گرفته است...

John Fryer, *A New Account of East India and Persia being Nine Years' Travels 1672-1681*, 3 vol. (2d ed., London, 1909-15), vol. 2, 249; and in Kéram

Kévonian, "Marchands arméniens au XVII^e siècle," *Cahiers du Monde Russe et Soviétique* 16 (1975). 233, fn. 116. See also the EIC report in R.W. Ferrier, "The Agreement of the East India Company with the Armenian Nation 22nd June 1688," *Revue des Etude Arménines*, n. s., 7 (1970). 427-43 (431-32).

برای اطلاع از شیوه‌های تجاری ارمنه و به‌طور کلی نقش ارمنه در تجارت عصر صفوی ر.ک:

Herzig, "The Armenian Merchants": and McCade, *The Shah's Silk*, ch.7.

17. See Michel Aghassian and Kéram Kévonian, "Le commerce armenien dans l'Onéan Indien aux 17^e et 18^e Siècles," in *Marchands et homes d'affaires*, 155-81.

18. Avedis K. Sanjian, *The Armenian Communities in Syria under Ottoman Dominaton* (Cambridge Mass, 1965), 48-49; and C-D. Tékéian, "Marseille, la Provence et les Arméniens," *Mémioires de l'Institut Historique de Provence* 6 (1929), 10.

19. G. Alishan, *Armanio-vaenetsianskie otnosheniia*, 323, cited in *aiburttian, Armanskaia Koloniia*. 55.

20. Raymond H. Kévorkian, "Le négoce international des Arméniens au XVII^e siècle." in *Arménie entre Orient et Occident. Trois mille ans de civilisation*, ed. Idem (Paris, 1996). 148.

21. Kévorkian, "Le négoce international des Arméniens"; and V. Bayburdyan, *Naqsh-i Aramanah-I Irani dar tijarat-I bayn al-milali ta payan-I sadah-I 17 miladi*, trans. AdikBaghdasariyan (Tehran, 1375/1996), 97-98.

(نقش ارمنه ایرانی در تجارت بین المللی پایان سده ۱۷ میلادی).

22. Bruce Masters, *The Origins of Western Economic Dominance in the Middle East: Mercantilism and the Islamic Economy in Aleppo, 1600-1750* (New York, 1988), 63,

توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که ارمنه غیر ایرانی در تجارت ابریشم مدخلیتی نداشتند، ارمنه کالاهای دیگری غیر از ابریشمی که در کتاب راهنمای کاروانسراها ذکر شده، حمل می‌کردند.

Gaube and Wirth, *Der Bazar von Isfahan*, 276-77. See also Jean-Bapt. Tavernier. *Les six voyages de monsieur J.B. Tavernier en Turquie, en Perse, et aux Indes*, 2 vols. (Utrecht, 1712), vol. 1, 467; and Jean Chardin, *Voyages du chevalier Chardin en Perse, at autres lieux de l'Oricnt*, ed. L. Langles, 10 vols. and map (Paris, 1810-11), vol 3, 380.

23. Baghdiantz-McCabe, "Silk for Silver," 402.

24. *Early Voyages and Travels to Russia and Perssia* by Anthony Jenkinson and other Englishmen, ed. E. Delmar Morgan and C.H. Coote, 2 vols (London, 1886), vol. 2.397; *Algemeen Rijks Archief* (Dutch National Archives) The Hague ARA). Henceforth VOC 1152, Constant, Gamron to Batavia, 11 March 1945, fols. 82r-83.

25. IOR E/3/47/5627, Edvards, Isfahan to London, 16 Oct. 1987, unfol See also G/40/4, 1690. Gladman, Gombroon to London, 10 March 1691. fol. 244; E/3/51/6067, 1694, E/3/50/5984,

نامه پنج بازرگان به گلادمن Gladman. گمبرون در:

II March 1695, unfol.; E/3/51/6132, Bragwin, Isfahan to London, 18 Dec. 1695, and 3/52/6289, Major, Tabriz to London. 14 Oct. 1696, unfol.
26. Steensgaard.

۲۷. رک: تحقیق اخیر:

Baghdiantz-McCabe, *The Shah's Silk*, passim.

28. See Michel Aghassian and Kéram Kevonian, "Le commerce armenien." 159.

29. Herzog, "The Armenian Merchants," 165.

30. Fryer.

31. Fryer. *A New Account*, vol. 2, 258.

جهت اطلاع از ثروت تجار ارمنی رک:

Kerarn Kevonian, "Marchands armeniens," 233. fn. 116.

32- Jean-Baptiste Tavernier, *Les six voyages de Jean Baptiser Tavernier*, vol 1, 467.

33- ARA, VOC 1373, Van den Heuvel, Gamron to Batavia, 19 April 1683, fol.885r.

زکریا، احتمالاً زکریای سارهایان است که ریاست هیئت نمایندگی ارامنه جلفا را به دربار مسکو در سال ۱۶۵۹-۱۶۶۰م برعهده داشت.

34 . Chardin, *Voyages*, vol. 3, 144.

35. IOR, E/3/42/4820, Smith, Gombroon to Surat, 16 May 1682, fol. 5.

۳۶. برای اطلاع از شکست قراردادهای متعدد بین کمپانی هندشرقی انگلیس و ارامنه رک:

R. W. Ferrier. "The Armenians and the East India Company in Persia in the Seventeenth and Early Eighteenth Centuries," *Economic History Review*, 2nd ser. 26(1973), 38-62 and idem, "The Agreement of the East India Company with the Armenian Nation."

این که ارامنه خودشان علاقه‌مند بودند با کشتی‌های دریایی اروپایی معامله کنند از پیشنهاد آن‌ها به فرانسویان در سال ۱۶۵۰م مبنی بر حمل ابریشم آنان به فرانسه نمایان می‌شود. این قرارداد هرگز جنبه عملی به خود نگرفت. رک:

Memoires de Francois Martin Fondateur de Pondichry (1665-1696), 3 vols., ed Alfred Martineau (Paris, 1931-34) vol. 2, 189.

37 . V.K.Voskanian. "Les armeniens à Moscou du XV^e au XVII^e siecle." *Revue des Etudes Armeniennes*, n.s. 9 (1972), 425.

38 . E. Zevakin. "Persidskii vopros v russko-evropeiskikh otnosheniakh XVII veke."

Istoricheskie Zapiski 8 (1940), 157.

۳۹. فیلیپ زاگلی، شخصیت متلون و ماجراجویی است که فرستاده سیاسی گردید. او یک ارمنی بود که در جلفای جدید به دنیا آمد. حدود سال ۱۰۸۰ق/ ۱۶۶۹م وارد پاریس شد و مدعی شد که پسر داروغه عباس‌آباد در اصفهان است. او بعداً به آمستردام و مسکو رفت و ادعا کرد که فرستاده پادشاه فرانسه است و وظیفه سازماندهی دسته‌های تفنگ‌دار را در ایران بر عهده دارد. وی موفق به ورود به ایران نشد و سرانجام به سوئد رسید و نامه‌هایی از شاه سوئد برای ایران دریافت کرده، سپس بار دیگر به روسیه رفت. این پروژه به نظر می‌رسد با شکست رو به رو شده از این رو، او بعداً سعی کرد در لهستان بخت خود را با این تدبیر که تجارت ارمنیان ایران را به لهستان هدایت خواهد کرد، محک زند. این طرح پذیرفته نشد، اما اولیای امور لهستان را برانگیخت که به او لقب کنت داده و او را به عنوان فرستاده سیاسی در سال ۱۱۲۰ق/ ۱۶۹۸م به دربار سلطان حسین بفرستند. وی از مسیر امپراطوری عثمانی حرکت کرد، جایی که مجبور شد خود را مسلمان سنی جلوه دهد. به محض ورود به ایران به تشیع گروید و نام امام‌قلی بیگ را برای خود برگزید. [مطالبی که در ارجاع فوق راجع به فیلیپ زاگلی آمده، توضیح تکمیلی است که نویسنده برای مترجم این مقاله ایمیل کرده است.]

40. See R. Gulbenkian, "Philippe de Zagly, marchand armenien de Julfa, et l'établissement du commerce persan en Courlande en 1696," *Revue des Etudes Armeniennes*, n.s.7(1970), 361-99; Stefan Troebst, "Isfahan-Moskau-Amsterdam. Zur Entstehungsgeschichte des moskauischen Transitprivilegs für die Armenische Handelskompagnie in Persien (1666-1676)," *Jahrbucher zur Geschichte Osteuropas* 41 (1993), 180-209; idem, "Die Kaspi-Volga Ostsee-Route: Handelskontrollpolitik Karls XI. Die schwedischen Persien-Missionen unter Ludwig Fabritius 1679-1700," *Forschungen Zur Osteuropischen Geschichte* 54 (1998), 127-204; and idem, "Narva und der Aussenhandel Persiens im 17. Jahrhundert. Zum merkantilen Hintergrund schwedischen Grossmachtspolitik," in *Die schwedischen Ostprovinzen Estland und Livland im 16. und 18. Jahrhundert*, ed. Alexander Loit and Helmut Purimae (Uppsala, 1993), 161-78; and,

برای اطلاع از این تجارت رک:

Rudolph P. Matthee. *The Political Economy of Safavid Iran: Silk for Silver, 1600-1730* (Cambridge, 1999) 192-202.

۴۱. al - Mukha (Mocha) - mukha (مخا) منطقه‌ای است، عربستان جنوبی در کنار تنگه عدن و دریای قلمزم. رک: حسین مؤنس، *اطلس تاریخ اسلام*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، (چاپ اول: تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۵) ص ۴۹، (مترجم) ۴۲. به عنوان مثال رک:

ARA, VOC 1188, Dagregister Basra, 7 Oct. 1651-31 July 1652, fol. 464v.

43. Tenreiro.

44. Antonio Tenreiro, "Itinerario" in *Itinerarios da India Portugal por terra*, ed. Antonio Baião (Coimbra, 1923), 10.

۴۵. Sephardim یهودیان شرقی هستند در مقابل آن‌ها Ashkenazim یا یهودیان غربی قرار دارند. این‌ها عمدتاً در اروپای شرقی زندگی می‌کردند. Sephardim کسانی هستند که در اواخر قرن ۱۵ و ۱۶ هنگامی که مسیحیان اسپانیا را مجدداً از دست مسلمانان گرفتند از آنجا رانده شده و عمدتاً به امپراطوری عثمانی رفتند و از آن‌ها به خوبی استقبال شد بعضی هم به ایران آمدند. [مطالبی که در ارجاع فوق آمده، توضیح تکمیلی است که نویسنده مقاله برای مترجم ایمیل کرده است.]

46. Rudiger Klein, "The Port City of Badar Abbas," 50-51.

47. Thomas Herbert.

48. Thomas Herbert, *Travels in Persia, 1627-1629*, abridged edition., ed. Sir William Foster New York, 1929). 29-30.

49. Worm.

50. Johann-Gottlieb Worm, *Indian - und persianische Reisen, oder: zehnjrige auf Gross Java, Beugala. Und in Gefolge Herm Joann Jusua Kolelar, hollandischen Abgesandten an den Sophi in Persien geleistete Kriegsdienste* (Leipzig, 1736), 258-59.

51. Raphael du Mans, *Estat de la Perse en 1660*, ed. Ch. Schefer (Paris, 1890). 193; Chardin, *Voyages*, vol. 7, 442.

تاورنیه تعدادی از خانواده‌های یهودی اصفهان را شمرده است.

Tavernier, *Les six voyages*, vol. 1, 734, as ca. 600.

52. Chardin, *Vayages*, vol. 6, 133. Chardin, *Vayages*, vol. 2, 388.

خاطر نشان می‌سازد که هزار خانوار یهودی قزوین همگی فقیر بودند.

53. Cornelis de Bruyn.

54. Cornelis de Bruyn, Reizen over Moskovie, door Persie en Indie (Amsterdam, 1714), 320.
55. Arakel de Tabriz, Livre d'histoires, trans. M. I. Brosset, in Collections d'historiens armeniens, 2 vols, (St. Petersburg, 1874-76), vol. 1, 495.
56. Struys
57. J.J. Struys, Drie aanmerkelijke en seer ramspoedige Reysen door Italien, Griekenlandt, Lijfflandt, Moscovien. Tartarijen. Meden, Persien, Oost-Indien, Japan, en verscheyden andere Gewesten (Amsterdam, 1976). 254-55.
58. Schillinger.
59. Pere Franz Caspar Schillinger, Persianische und Ost-Indianische Reise (Nuremberg, 1707), 266.
- 60- ARA, VOC 1215, Willemsz., Gamron to Batavia, 30 March 1657. fol. 863v.
61. Gaube and Wirth. Der Bazar von Isfahan, 268-69.
62. ARA, VOC 1109, De Leeuw, aboard "Utrecht," to Batavia, 10 Aug. 1634, fol. 72.

۶۳. فضلی خوزانی اصفهانی، افضل التواریخ، ج ۳.

Christ's College, Cambridge, ms. Dd. 5.6, fol. 406a.

64. Tavernier, Les six voyages, vol. 1, 470.

65. Ibid, p 670.

۶۶. تلاش های سال ۱۶۴۶م برای گفت و گو با یهودیان در منبع ذیل ذکر شده است:

ARA, Coll, Geleynssen de Jongh, 283, Extract Dagregister Winnincx, 8 Jan. 1656

برای اطلاع از عملیات سال ۱۶۵۷م ر.ک:

VOC 1215, Willemsz., Gamron to Heren XVII, 30 March 1657, fol 863vo; A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal Mission of the XVIIth and XVIIIth Centuries, 2 vols., ed. Chick, (London. 1939). vol. 1, 364-67; Vera Basch Moreen, Iranian Jewry's Hour of Peril and Heroism (New York / Jerusalem. 1987); and Rudi Matthee, 'The Career of Mohammad Beg, Grand Vizier of Shah `Abbas II (r. 1629-1666).' Iranian Studies 24 (1991), 27-29.

67. Generale missiwen van gouverneurs en raden aan Heren XVII der Verenigde Oostindische Compagnie, ed. W. Ph. Coolhaas, vol. 3. 1655-1674 (The Hague. 1968), 173.

68. Chardin, Voyages, vol. 6, 134. See also The Salmon. Historie und Geugraphie des gegen-wrtigen Staat in Persien (Altona / Flensburg, 1739), 262.

69. ARA, VOC 1747, fols. 96-97, 181-82. 449-50, 475; VOC 1763, fols. 33, 42. 177-80, 197. 206-07, 209. 460-61. 484, VOC 1779, fols. 111-13, 117-18, 127-28, 129-30, 132-34, 139, 144-46, 151-52.

70. ARA, VOC 1224. Willemsz., Gamron to Van Wijck, Isfahan, 21 July 1657. Fol. 390.

ARA, VOC 1226, Willemsz., Gamron to Batavia, 1 March 1658. fol. 795.

71. ARA, VOC 1373, Van den Heuvel, Gamron to Batavia. 19 April 1683, fol. 885r.

72. In ARA. VOC 1332, Memorandum Bent to Casembroot, I June 1679, fol. 919v,

یعقوب بابو، یکی از تجار یهودی است که از او به عنوان سرمایه‌دار یاد می‌شود. او در سال ۱۶۷۶م ورشکست شد و ظاهراً به ساحل عربی خلیج فارس گریخت تا از چنگ بستنکاران خلاص شود او کمی بعد از ۱۶۷۹م در کنگ درگذشت. درباره ورشکستگی او در منبع مورد اشاره شده است:

- VOC 1406, Transl letter from VOC to Shah Sulayman, June 1684, fol 1281.
73. Chardin. *Voyages*, vol. 8, 508. See also *Relacao novo caminho que fer por terra e mar vidia de India para Portugal, no ano de 1633o* Padre Manuel Godinho, ed. Augusto Reis Machado (Lisbon, 1944), 100.
74. *Memoire de la province du Sirvan, en forme de Lettre adressee au Pere Fleuriau,* in *Lettres edifiantes et curieuses ecrites des missions etrangeres* (Toulouse, new ed., 1810) vol. 4, 27.
75. Tavernier, *Les six voyages*, vol, 1, 421-2.

تاورنیه از رقم ۱۰۰۰۰-۱۲۰۰۰ صحبت می‌کند.

- Jean de Thevenot, *Suite du voyage de Levant* (Paris, 1674), 217.
76. A. Hamilton, *A New Account of the East Indies*, 2 vols. (Edinburgh, 1727). vol 1, 84.

۷۷. به عنوان مثال به توصیفات تاورنیه ر.ک:

- Les six voyages*, vol 1, 470; Chardin, *Voyage*, vol. 4, 64; and De Bruyn, *Reizen over Moskovie*, 320-21.

۷۸. ر.ک: رسول جعفریان، دین و سیاست عصر صفوی (چاپ اول: قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۰) ص ۳۵۳.

79. Stephan Dale.

80. Dale, *Indian Merchants and Eurasian Trade*, 661T.

۸۱. کلمه بانیان یا بانیه، ریشه در کلمه بانیک یا وانیک سانسکریت دارد که بر بازرگان دلالت می‌کند. در نوشته هندو-فارسی کلمه عربی بقال «تاجر خرده‌فروش» در هندو «مغازه‌دار» در ایران، مترادف بانیان به کار می‌رود، نه تنها در ایران، بلکه در هند نیز بانیان نوعاً به عنوان تاجران خرده‌فروش و مغازه‌داران به کار برده شدند. ر.ک:

Infan Habib, "Merchant Communities in Precolonial India," in *The Rise of Merchant*

Empires: Lang-distance Trade in the Early Modern World, 1350-1750, ed. James

D.Tracy (Cambridge, 1990), 371-99.

82. Adam Olearius, *Vermehrte neue Beschreibung der Muscowitischen und Persischen Reyse... an den Russischen zaar und Konig in Persien geschehen* (Schleswig, 1956; facsimile repr. 1971), 559.

83. Dar danistan-i karavansaraha, in Gaube and Wirth, *Der Bazar uon Isfahan*, 276-77, 280-83.

84. Chardin, *Voyages*, vol 8, 418.

85. Pere de la Maze, description of Shamakhi, in *Archivum Romanum Societatis Iesu*, Rome, (ARSI), GAIL. 97II., and A. A. Rahmani, *Azerbaijan u kontse XVI i XVII vekov* (Baku, 1981), 179.

86. A. I. Iukht, "Indiiskii koloniia v Astrakhani," *Voprosy Istorii* 3 (1957), 138, and Wolfgang Sartor, "Die Wolga als internationaler Handelsweg fur persische Rohseide. Ein Beitrag zur Handelsgeschichte Russlands im 17. und 18. Jahrhundert" (Ph.D.dissertation, Free University of Berlin, 1992), 232-36; and A. I. Iukht, *Torgovlia svostochnymi stranami i vnutrennii rynek Rossii* (20-60-e gady XVII veka) (Moscow, 1994), 75-77.